

بسم الله الرحمن الرحيم

لغات کاملاً ضروری

1201 Words

واژگان تکمیلی زبان کنکور

ریاضی | تجربی | انسانی | هنر | زبان



امید یعقوبی فرد

سرشناسه: یعقوبی فرد، امید/عنوان و نام پدیدآور: واژگان تکمیلی زبان کنکور، ریاضی، تجربی، انسانی، هنر، زبان، 1201 words / امید یعقوبی فرد، / مشخصات نشر: تهران: مهرماه نو، ۱۳۹۳ / مشخصات ظاهری: ۳۱۸ ص. / فهرست: از سری کتاب‌های لقمه / شابک: ۶-۰۵۰-۳۱۷-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیهای مختصر/ شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۹۴۵۷۹

1201 Words

واژگان تکمیلی زبان کنکور

مؤلف: امید یعقوبی فرد

سال چاپ: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۶-۰۵۰-۳۱۷-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

طراحی و آماده‌سازی برای چاپ: واحد تولید انتشارات مهر و ماه

مدیر گروه زبان انگلیسی: امید یعقوبی فرد

مدیر پروژه: سامان شاهین پور

© کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات مهرماه نو می‌باشد. هرگونه برداشت از مطالب این کتاب بدون مجوز کتبی از ناشر، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

کوچه مینا، پلاک ۳۷

دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۸۴۰۰

واحد فروش: ۶۶۴۰۸۴۰۳

واحد روابط عمومی: ۶۶۹۶۸۵۸۹

سفارش تلفنی: ۶۶۴۷۹۳۱۱

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۱۲۰

فهرست

۳	مقدمه
۸	سطح ۱
۱۱۰	سطح ۲
۲۱۰	سطح ۳
۳۰۹	پیشوندها و پسوندها
۳۱۸	INDEX

انتشارات مهرماه
www.mehromah.ir



تقدیم به یگانه حامی و
پشتوانه‌ی راه زندگی‌ام،
«پدر عزیزم»

مقدمه

زبان انگلیسی هم برای خودش درس عجیبیه! بنده‌ی خدا داوطلب کنکور، کلی وقت خودش رو می‌ذاره، هرچی نکته‌ی گرامری تو درس‌ها هست رو یاد می‌گیره، لغت‌های همه جای کتاب‌ها رو حفظ می‌کنه، متن‌های کتاب رو می‌خونه و ... و آخرش وقتی می‌ره سر جلسه‌ی کنکور، توی ۲۵ تا سؤال این درس، ۶۰، ۷۰ تا لغت جدید می‌بینه که حتی قیافه‌ی اونارو هم هیچ جای کتاباش ندیده!

می‌دونی داستان چیه؟! طراح محترم کنکور، که داره نهایت تلاشش رو می‌کنه که مثل TOEFL و IELTS و ... یه آزمون استاندارد زبان انگلیسی طرح کنه، پیش خودش فکر می‌کنه که داوطلب کنکور هم باید بتونه با خوندن متن و بلد بودن معنی چند تا از لغت‌ها، معنی بقیه‌ی لغت‌ها رو حدس بزنه. خُب! این فرض طراح کنکور خیلی خوبه و اگه واقعاً دانش‌آموزی اون قدر مهارت داشته باشه که بتونه به سبک امتحان TOEFL به سؤال‌ها جواب بده، واقعاً عالیه.

اما بذار روراست باشیم و خیال‌پردازی رو بذاریم کنار! چند درصد از داوطلب‌های کنکور هستن که تکنیک‌های متن‌خوانی رو این جور خوب بلدن و می‌تونن توی وقت محدود کنکور به همه‌ی سؤال‌ها جواب بدن؟ حالا اگه لغت‌های جدید کنکور نهایتاً ۱۰، ۲۰ تا بود، باز هم می‌شد گفت اگه مهارت‌های متن‌خوانی رو خوب بلد باشی، می‌تونی کلیت معنی این چند تا لغت رو هم حدس بزنی. ولی بارها و بارها دیدم که این تعداد لغت خارج از کتاب برای یه داوطلب معمولی که سابقه‌ی کلاس زبان بیرون رو در حد پیشرفته نداره، واقعاً زیاده. برای این که منظورمو بهتر متوجه شی، یک پاراگراف (دقت کن! فقط یک پاراگراف) از متن درک مطلب ریاضی ۹۳ رو برات آوردم و توی اون، لغات خارج از کتاب رو مشخص کردم:

Once an all-human endeavor based mainly upon changes in **barometric** pressure, **current** weather conditions, and sky condition, weather forecasting now relies on **computer-based** models that considers **atmospheric factors**. Human **input** is still required to **select** the best possible forecast model to base the forecast upon, which involves pattern **recognition** skills, **teleconnections**, knowledge of model performance, and knowledge of model **biases**. The **ever-changing nature** of the atmosphere, the great **computational** power required to solve the **equations** that describe the atmosphere, error involved in measuring the **initial** conditions, and an **incomplete** understanding of **atmospheric** processes mean that forecasts become less **accurate** as the difference in **current** time and the time for which the forecast is being made increases.

می‌رسیم به اصلی‌ترین هنرمندی طراح بسیار محترم زبان انگلیسی کنکور! هیچ می‌دونستی هر سال و توی هر کدوم از گروه‌های آموزشی (یعنی تو هر ۲۵ تا تست)، حداقل یکی دو تا تست واژگان، کلوز و ... داریم که بچه‌ها حتی کلمه‌ی جواب رو هم توی کتابای درسی شون نخوندن؟ (البته به نظر میاد تعداد این جور تست‌ها داره به مرور زیاد و زیاده‌تر می‌شه!) یا طراح کنکور اصلاً در جریانِ محتویات کتاب درسی نیست و یا شاید خودش رو در این مورد کلاً زده به بی‌خیالی.

در مورد این جور لغت‌ها داخل کتاب بیشتر توضیح می‌دم، ولی علی‌الحساب یه نیگا به یکی از تست‌های واژگان ریاضی ۹۲ بنداز:

➔ I have a useful experience from doing that job for years. (ریاضی ۹۲)

- | | |
|---------------|------------|
| 1) guaranteed | 2) guessed |
| 3) guided | 4) gained |

جواب این سؤال، گزینه‌ی ۴ (gain) هستش. ولی خُب ظاهراً طراح محترم کنکور اصلاً نمی‌دونسته که بچه‌ها توی کتابای درسی‌شون این لغت رو نخوندن و نباید از این کلمه تست بده...!

و اما کتاب واژگان تکمیلی زبان کنکور 1201 Words

۱ توی این کتاب، برای انتخاب واژگان تکمیلی کنکور، از انواع و اقسام منابع استفاده شده. از ۳۰۰۰ لغت کلیدی دیکشنری‌های Oxford و Longman و کتاب 504 Absolutely Essential Words (۵۰۴ لغت کاملاً ضروری) گرفته تا بررسی کلمه به کلمه‌ی همه‌ی کنکورهای سال ۸۴ به بعد.

اگه بخوام یه کم از روش استفاده شده برای انتخاب این ۱۲۰۱ تا لغت بگم، همه‌ی این منابع با هم ترکیب شدن، چند هزار تا لغت به دست اومد و از بین این چند هزار تا لغت، ۱۲۰۱ تا لغتی رو که خوندنشون برای یه بچه کنکوری واقعاً لازمه براتون انتخاب کردم.

۲ بعد هر لغت مشخص شده که اون لغت توی منابع کتاب، کجاها استفاده شده. ۳۰۰۰ رو برای ۳۰۰۰ لغت کلیدی Oxford یا Longman یا هر دو تاشون آوردم. اگه بعد از لغتی ۵۰۴ دیدی، یعنی اون لغت توی کتاب ۵۰۴ لغت کاملاً ضروری هستش و کنکورها هم که نیاز به توضیح خاصی ندارن. (مثلاً تجربی ۹۳، ریاضی ۹۱ و انسانی ۹۲)

۳ برای همه‌ی ۱۲۰۱ تا لغت، مثال با ترجمه‌ی دقیق فارسی داریم. دوستای خوبم! این که ما بیایم لغت‌ها رو با معنی‌هاشون حفظ کنیم، خوبه. ولی واقعیت اینه که شما فقط وقتی می‌تونید بگی یه لغت رو یاد گرفتی که اونو توی جمله یاد گرفته باشی. توی خیلی از موارد، حفظ کردن معنی خالی جمله فایده‌ی خاصی نداره.

۴ لغت‌ها توی این کتاب، به خاطر اهمیتشون تو کنکور، به ۳ تا سطح تقسیم شدن که هر کدوم از این سطح‌ها هم از ۲۰ تا

درس ۲۰ لغته درست شده! سطح اول (Level 1) **درس‌های قرمز**

لغت‌های خیلی خیلی مهم هستن که حتی اگه یه ماه تا کنکور ت مونده باید اونارو بخونی. سطح دوم (Level 2) **درس‌های سبز** لغت‌های نسبتاً مهمی هستن که هر سال تعداد خیلی زیادی شون رو توی کنکور می‌بینیم. سطح سوم (Level 3) **درس‌های آبی** هم با این که از ۲ تا سطح اول کم‌اهمیت‌تره، ولی همون‌طور که توی کتاب هم می‌بینی، از اونا هم توی کنکور بارها و بارها استفاده شده و بازم حتماً استفاده می‌شه.

۵ کنار بعضی از لغت‌ها، تصاویر زیبایی آوردیم تا هم بتونی از photographic memory (حافظه‌ی تصویری) خودت برای یاد گرفتن لغت‌ها استفاده کنی و هم این که خوندن کتاب برات سرگرم‌کننده و جذاب باشه. مطمئنم به خاطر صفحه‌آرایی قشنگ کتاب و تصاویر زیباش، می‌تونی هر درس رو به عنوان یه زنگ تفریح ۱۵، ۲۰ دقیقه‌ای بین بقیه‌ی درسات هم بخونی.

۶ توی آخر کتاب دو تا ضمیمه داریم. ضمیمه‌ی اول پیشوندها و پسوندهای مهم انگلیسی هستش. تسلط به این پیشوندها و پسوندها عملاً یعنی حدس زدن معنی چند هزار تا لغت هم خانواده لغت‌هایی که از قبل بلدی. ضمیمه‌ی دوم هم که Index (نمایه) هستش. کاربرد Index اینه که اگه یه زمانی توی تستای کنکور، آزمون آزمایشی و ... یکی از لغت‌های این کتاب رو دیدی و احساس کردی لازمه بیای مرورش کنی، سریع از Index شماره‌ی درس اونو پیدا می‌کنی و می‌ری لغت رو دوباره می‌خونی.

۷ علامت * کنار بعضی از لغت‌ها نشون می‌ده که اون لغت یکی از ۱۲۰۱ تا لغت همین کتابه که توی درسای قبلی خوندیش.

۸ همون‌طور که گفتم کتاب از ۶۰ تا درس ۲۰ لغته درست شده. این شد ۱۲۰۰ تا لغت. لغت ۱۲۰۱ ام رو هم توی همین مقدمه میارم تا توضیحات مقدمه رو بتونی یک جا ببینی.

gather /'gA TE(r)/ v.

جمع کردن، جمع‌آوری کردن

➔ I went to several libraries to gather information about the plans.
به چند تا کتابخانه رفتم تا اطلاعاتی را در مورد پژوهش‌ها جمع کنم.

۳۰۰۰، تجربی ۹۲، هنر ۹۲، ریاضی ۸۹، هنر ۸۸، تجربی ۸۴



تشکر ویژه از:

- ♦ مدیر محترم انتشارات مهر و ماه، جناب آقای احمد اختیاری برای نظرات خیلی سازنده‌شون و همراهی‌شون در مراحل مختلف تألیف کتاب؛
- ♦ مدیر پروژه، گرافیک و صفحه‌آرای کتاب، جناب آقای سامان شاهین‌پور، به خاطر همه‌ی زحماتی که تو مراحل مختلف تألیف کتاب کشیدن؛
- ♦ طراح جلد کتاب، جناب آقای رضا باغبانی به خاطر طراحی و رنگ‌بندی زیبای جلد کتاب؛
- ♦ مدیر محترم واحد تولید انتشارات، سرکار خانم سمیه جباری؛
- ♦ ویراستاران محترم کتاب سرکار خانم سمیه حیدری و سرکار خانم نگین تربتی و همین‌طور حروف‌چین محترم سرکار خانم الهام پیلوایه.

سربلند و پیروز باشید

امید یعقوبی‌فرد

o.yaghoubifard@gmail.com

**Fear holds you prisoner. Hope sets you free.
Hope springs eternal.**

ارائه‌ی نظرات و پیشنهادات در مورد این کتاب با پیامک به شماره‌ی ۳۰۰۰۷۲۱۲۰

intend /In'tend/ v.

قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)

➔ I didn't intend Mary to see the painting until it was finished.

قصد نداشتم که مری نقاشی رو قبل از کامل شدنش ببینه.

3000، تجربی 93، ریاضی 91، تجربی 91، تجربی 90، زبان 90، ریاضی 88، انسانی 85، ریاضی 84، تجربی 84

gravity /'grAvIti/ n.

1- (نیروی) جاذبه 2- اهمیت، شدت، وخامت

➔ Newton's law of gravity

قانون جاذبه‌ی نیوتون

انسانی 89، ریاضی 88، خارج از کشور 87، ریاضی 86



essential /I'senSI/ adj., n.

1- لازم، ضروری 2- مبنا، اساس، بنیاد

➔ Even in small companies, computers are an essential tool.

حتی در شرکت‌های کوچک [هم]، کامپیوتر یک وسیله‌ی ضروری است.

3000، 504، تجربی 93، انسانی 89، هنر 88

description /dl'skripSn/ n.

توصیف، وصف، شرح

➔ She has given the police a very detailed description of the robber.

اون توصیف بسیار دقیقی از دزد رو به پلیس ارائه کرده.

3000، تجربی 90، زبان 90، هنر 87، هنر 85



discovery /dl'skúvEri/ n.

کشف، اکتشاف

- ➔ Researchers in this field have made some important new discoveries.

پژوهشگران این حوزه، چند کشف مهم جدید داشته‌اند.

3000، ریاضی 90، خارج از کشور 90، زبان 89، خارج از کشور 89، ریاضی 86، ریاضی 85، هنر 84

instance /'InstEns/ n.

مورد، نمونه، مثال

- ➔ In most instances, there will be no need for further action.

در بیشتر موارد، هیچ نیازی به اقدام اضافه‌تری نیست.

- ➔ What would you do, for instance, if you found a bag full of money?

اگه مثلاً یه کیف پر از پول پیدا می‌کردی، چی کار می‌کردی؟

3000، انسانی 92، تجربی 90، خارج از کشور 90، انسانی 89، ریاضی 88، ریاضی 86، زبان 85

2 تا حالت پیشتر نداره: 1- یا طراح محترم کنکور، اصلاً قیافه‌ی کتابای درسی رو ندیده که بدون کلمه‌ی instance توی کتابای درسی نیومده و نباید توی ریاضی 89 از خود این کلمه تست می‌داد! 2- یا هم خدای نکرده، زبونم لال، اساتید محترم می‌دونستن و کاملاً هم حواسشون جمع بوده؛ ولی خواستن ثابت کنن زورشون زیاده و از هر کلمه‌ای که عشقشون پکشه تست می‌دن!

prison /'prIzn/ n.

زندان

- ➔ Helen was sent to prison for injuring a man with a knife.

هلن به خاطر مجروح کردن مردی با چاقو، به زندان فرستاده شد (زندانی شد).



3000، هنر 90، خارج از کشور 85، ریاضی 84، هنر 84

state /steɪt/ n., v.

1- وضع، وضعیت؛ حالت 2- کشور 3- ایالت 4- بیان کردن، گفتن

➔ The facts are clearly stated in the report.

در این گزارش، حقایق به طور صریحی بیان شده‌اند.

➔ When we bought the house, it was in a terrible state.

وقتی اون خونه رو خریدیم، تو وضعیت خیلی بدی بود.

3000، ریاضی 93، تجربی 93، زبان 93، هنر 92، انسانی 91، ریاضی 90، خارج از کشور 89، ریاضی 88، زبان 88، ریاضی 87، تجربی 86، انسانی 86، هنر 85، هنر 84، زبان 84

leader /'li:dɜ:(r)/ n.

رهبر، رئیس

➔ Some people are leaders, and some people are followers.

بعضی از افراد [به‌طور ذاتی] رهبر هستند و بعضی از افراد دنباله‌رو.

3000، هنر 91، خارج از کشور 89، ریاضی 88، تجربی 88، هنر 84

hill /hɪl/ n.

تپه

➔ The house is built on the side of a hill overlooking the river.

این خونه در کنار تپه‌ای ساخته شده که رو به رودخانه‌اس.

3000، هنر 91، انسانی 86، انسانی 85، زبان 84

literature /'lɪtrətʃə(r)/ n.

1- ادبیات 2- آثار ادبی

➔ He has read many of the important works of literature.

اون خیلی از آثار مهم ادبی رو خونده.

3000، هنر 91، هنر 90، تجربی 86، تجربی 85، انسانی 85، تجربی 84

satisfied /'sætɪsfald/ adj.

راضی، خشنود، خرسند

➔ If you're not completely satisfied, you can get your money back.

اگه به طور کامل راضی نیستید، می‌تونید پولتون رو پس بگیرید.

3000، تجربی 93، ریاضی 86، تجربی 85، ریاضی 84، زبان 84



species /'spi:Si:z/ n. (زیست‌شناسی) نوع، گونه

- ➔ Over a hundred species of insect are found in this area.
در این ناحیه، بیش از صد گونه حشره یافت می‌شود.
3000، ریاضی 93، خارج از کشور 91، ریاضی 89، خارج از کشور 84

enormous /l'nθ:(r)mEs/ adj. بزرگ، عظیم

- ➔ They live in an enormous house.
اون‌ها تو یه خونه‌ی بزرگ زندگی می‌کنن.
3000، 504، انسانی 92، تجربی 90، انسانی 90، تجربی 86

independent /Indl'pendEnt/ adj.

[کشور، ملت، شخص] مستقل

- ➔ It was important to me to be financially independent of my parents.
برام مهم بود که از نظر مالی از پدر و مادرم مستقل باشم.
3000، ریاضی 92، خارج از کشور 89، هنر 88، تجربی 84، هنر 84

point out /pθInt aUt/ v. نشان دادن، یادآور شدن

- ➔ He pointed out the dangers of driving alone.
او خطرات تنها رانندگی کردن رو یادآور شد.
زبان 93، خارج از کشور 92، ریاضی 90، هنر 90، تجربی 89، هنر 89،
خارج از کشور 89، ریاضی 88، خارج از کشور 88، ریاضی 85

serve /s':(r)v/ v.

1- خدمت کردن، کار کردن 2- [غذا] سرو کردن، کشیدن

- ➔ She has served on the committee for the last 15 years.
اون تو 15 سال اخیر توی این کمیسیون کار می‌کنه.
3000، هنر 91، ریاضی 87، هنر 87، تجربی 85، خارج از کشور 84



تجربه نشون داده طراح کنکور، کلمه‌های خارج از کتابای درسی رو پیش تر توی پخش کلوز تست جواب درست می‌گیره. مثلاً همین کلمه‌ی serve، هم توی کنکور ریاضی 87 و هم توی تجربی 85، تو پخش کلوز تست جواب درست بوده.

necessarily /'nesEserIII/ adv.

الزاماً، ضرورتاً

- ➔ The fact that something is cheap doesn't necessarily mean it's of low quality.

اینکه یه چیزی ارزونه الزاماً به معنی کیفیت پایین اون نیست.

3000، تجربی 93، هنر 93، ریاضی 91، تجربی 90، انسانی 90، زبان 89

play /pleI/ n.

1- نمایش‌نامه 2- نمایش، تئاتر

- ➔ "Did you see the play on Thursday?" "No, I went on Wednesday night."

«اون نمایش رو پنج‌شنبه دیدی؟» «نه، چهارشنبه شب رفتم.»

3000، هنر 90، زبان 87، ریاضی 85، تجربی 85، انسانی 85، خارج از کشور 85



product /'prɑ:dúkt/ n.

محصول، فرآورده، کالا

- ➔ The company's newest product is selling well.

جدیدترین محصول این شرکت خوب فروش می‌ره.

3000، تجربی 93، انسانی 93، ریاضی 92، خارج از کشور 92، زبان 90، ریاضی 88، تجربی 86، هنر 85



UNIT
02

vary /'veəri/ v.

1- تفاوت داشتن، متفاوت بودن 2- تغییر کردن، عوض شدن

➔ The heights of these plants vary from 8 cm to 20 cm.

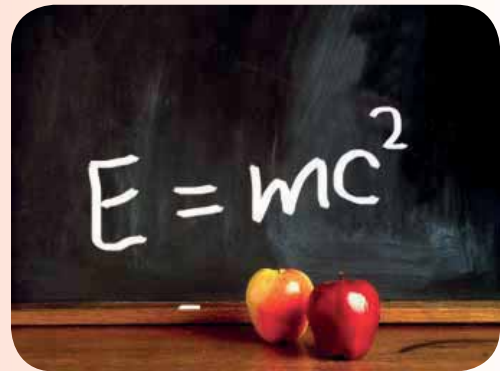
ارتفاع این گیاهان از 8 سانتی‌متر تا 20 سانتی‌متر تفاوت دارد.
3000، زبان 92، خارج از کشور 92، خارج از کشور 91، انسانی 90، خارج از کشور 90، ریاضی 89،
تجربی 89، خارج از کشور 89، ریاضی 88، انسانی 88

theory /'θiəri/ n.

نظریه، تئوری

➔ According to the theory of relativity, nothing can travel faster than light.

طبق تئوری نسبیت، هیچ چیزی نمی‌تواند از نور سریع‌تر حرکت کند.
3000، 504، خارج از کشور 91، هنر 90،
ریاضی 88، خارج از کشور 86، خارج از کشور 84



exception /Ik'sepʃn/ n.

استثناء، مورد استثناء

➔ Most of the buildings in the town are modern, but the church is an exception.

بیشتر ساختمان‌های این شهر جدید هستند، ولی این کلیسا استثناء هستش.

3000، ریاضی 91، انسانی 90، انسانی 87، زبان 85

decade /'dekeɪd/ n.

دهه، ده سال

➔ In the decade 1870-1880 the population increased 30%.

در دهه‌ی 1870 – 1880 جمعیت 30٪ زیاد شد.

3000، 504، هنر 85، زبان 85

escape /ɪ'skeɪp/ v., n.

1- فرار کردن، گریختن 2- فرار

➔ He escaped from prison* in October. The police are still looking for him.

اون در ماه اکتبر از زندان فرار کرد.
پلیس هنوز دنبال اون می‌گردد.



3000، هنر 93، ریاضی 89، خارج از کشور 88، انسانی 85

freedom /'fri:dəm/ n.

آزادی، استقلال

➔ At university, you have more freedom to do what you want.

تو دانشگاه، آزادی بیشتری داری تا هر کاری که می‌خواهی بکنی.

3000، هنر 92، تجربی 90، هنر 90، زبان 88، هنر 84

طراحان کنکور خیلی دوست دارند چوای تست‌هاشون، هم‌خانواده‌ی کلمه‌هایی باشن که توی کتابای درسی اومده. مثلاً بچه‌ها توی کتابای درسی، کلمه‌ی free رو زیاد خوندن، ولی چوای یکی از تستای کلوزتست هنر 92، freedom بود.

thought /tɔ:t/ n.

1- فکر، اندیشه 2- نظر، عقیده

➔ Ask me again tomorrow. I'll have to give it some thought.

فردا دوباره ازم سؤال کن. باید کمی در موردش فکر کنم.

3000، خارج از کشور 91، هنر 90، زبان 88، تجربی 86، خارج از کشور 84



nature /'neɪtʃər/ n.

طبیعت

➔ All these materials are found in nature.

تمام این مواد در طبیعت یافت می‌شوند.

3000، ریاضی 93، هنر 91، زبان 89، انسانی 86، هنر 84



local /'IEUKl/ adj.

محلی

- ➔ Many local shops will be forced to close if the new supermarket is built.

اگه فروشگاه جدید ساخته بشه، بسیاری از مغازه‌های محلی مجبور می‌شن تعطیل کنن.

3000، زبان 93، هنر 92، زبان 90، خارج از کشور 88، انسانی 87، زبان 84

location /IEU'keISEn/ n.

جا، محل، موقعیت

- ➔ A map showing the location of the hotel will be sent to you.

نقشه‌ای که موقعیت هتل رو نشون بده براتون فرستاده خواهد شد.

3000، ریاضی 92، خارج از کشور 92، انسانی 90، هنر 85

توی کلوزتست هنر 85، یه تست داشتیم که چوایش location بود. (البته پگما! هم خانواده‌ی این کلمه، locate رو توی درس 4 کتاب پیش دانشگاهیت خوندی.

hunt /húnt/ v.

شکار کردن، به شکار ... رفتن

- ➔ These birds have been hunted almost to extinction.

این پرنده‌ها تقریباً تا [حد] انقراض شکار شدن.

3000، تجربی 92، انسانی 90، خارج از کشور 90، انسانی 88، خارج از کشور 88



obvious /'ã:bviEs/ adj.

آشکار، واضح، روشن، علنی

- ➔ I know you don't like her but try not to make it so obvious.

می‌دونم از اون خوشش نمی‌یاد ولی سعی کن این موضوع رو این قدر علنی نکنی.

3000، 504، ریاضی 92، زبان 90، تجربی 89

ولی خودمونیم! اگه تو این جمله، جای «علنی» از «تاپلو» استفاده می کردیم، ترجمه خیلی خوشگل تر می شد!

1- مقاله 2- کالا، شیء **article** /'ɑ:(r)tlɪk/ n.

→ There was an interesting article on the climate in the newspaper yesterday.

دیروز توی روزنامه، یه مقاله‌ی جالب در مورد آب و هوا بود.

→ The articles found in the car helped the police to find the killer.

اشیاء پیدا شده تو ماشین، به پلیس کمک کردن تا قاتل رو پیدا کنن.

رسیدیم به یکی از شاهکارهای طراح واقعاً محترم کنکور! توی درس 3 کتاب پیش‌دانشگاهی، article به معنی «مقاله» اومده. تا این‌جاش اصلاً مشکلی نیست و خوب می‌تونیم توی کنکور هم از این کلمه تست داشته باشیم. ولی بذار تعارف رو بذاریم کنار. دانش‌آموزا که هیچی؛ قبل کنکور 92، چند درصد از معلم‌های زبان می‌دونستن که article معنی «کالا، شیء» هم داره که توی کلوژتست تجربی 92، از این کلمه به این معنی تست اومده؟!

3000، تجربی 92، ریاضی 90، زبان 89، خارج از کشور 86، هنر 85

1- عصر، دوره 2- پیر شدن **age** /eɪdʒ/ n., v.

→ We are living in the age of technology.

ما در عصر فناوری زندگی می‌کنیم.

3000، زبان 91، انسانی 90، خارج از کشور 90، تجربی 88، انسانی 88، ریاضی 87، ریاضی 85

conduct /kən'dʊkt/ v., n.

1- اجرا کردن 2- راهنمایی کردن، هدایت کردن 3- رفتار، کردار

→ The experiments were conducted by scientists in New York.

آن آزمایشات به وسیله‌ی دانشمندان در نیویورک انجام شدند.

3000، ریاضی 92، ریاضی 89، تجربی 89، ریاضی 84



carry out /'keri aUt/ v.

اجرا کردن، انجام دادن

- ➔ The hospital is carrying out tests to find out what's wrong with her.

بیمارستان داره آزمایش‌هایی رو انجام می‌ده تا بفهمه مشکل اون چیه.
ریاضی 89، زبان 89، هنر 88، خارج از کشور 84

decoration /dekE'relSn/ n.

دکوراسیون، تزئین

- ➔ He's very good at home decoration.

اون تو دکوراسیون خونه خیلی ماهره.
3000، خارج از کشور 92، انسانی 88، هنر 88، انسانی 85، خارج از کشور 85

employee /lm'plɔli:/ n.

حقوق‌بگیر، کارمند، کارگر

- ➔ The number of employees in the company has increased over the past decade*.

در طول دهه‌ی اخیر، تعداد کارمندان این شرکت افزایش یافته است.
3000، 504، تجربی 92، زبان 90، هنر 85

market /'mɑ:(r)klt/ n.

بازار

- ➔ They have increased their share of the market by 10%.

اون‌ها سهم خودشون رو از بازار 10٪ افزایش دادن.
3000، زبان 93، هنر 92، خارج از کشور 92، تجربی 89، خارج از کشور 84

fully /'fʊli/ adv.

کاملاً، به طور کامل

- ➔ I fully accept that what he says is true.

کاملاً قبول دارم که اون چیزی که می‌گه درسته.
3000، تجربی 92، زبان 92، ریاضی 91، خارج از کشور 91، انسانی 90

civil /'sɪvl/ *adj.*

1- اجتماعی، مدنی

2- [کشور] داخلی، درون مرزی

➔ His manner was civil, though not particularly friendly.

رفتارش اجتماعی بود، هر چند خیلی دوستانه نبود.

3000، زبان 90

civil war /'sɪvl wɔ:(r)/ *n.*

جنگ داخلی

➔ The Spanish Civil War lasted from 1936 to 1939.

جنگ داخلی اسپانیا از سال 1936 تا سال 1939 طول کشید.

تجربی 92، ریاضی 87

civilized /'sɪvllaɪzd/ *adj.*

1- متمدن 2- با فرهنگ

➔ Such things should not happen in a civilized society.

این چیزها نباید در یک جامعه‌ی متمدن اتفاق بیفتند.

ریاضی 90

exchange /ɪks'tʃeɪndʒ/ *v., n.*

1- مبادله کردن، عوض کردن 2- مبادله،

معاوضه

➔ They were given food and shelter* in exchange for work.

به آنها در عوض کار، غذا و سرپناه داده شد.

3000، تجربی 92





LEVEL 2

numerous /'nu:mErEs/ **adj.**

بی شمار، بسیار فراوان

- ➔ The two leaders* have worked together on numerous occasions.

دو رهبر در مناسبت‌های بی‌شماری با هم کار کرده‌اند.

3000، 504

tremendous /trɪ'mendEs/ **adj.**

عظیم، بسیار زیاد، بسیار شدید

- ➔ This plan can save us a tremendous amount of money.

این برنامه می‌تواند برای ما مقدار بسیار زیادی پول صرفه‌جویی کند.

3000، انسانی 88

apologize /E'pɑ:lEdZaɪz/ (BrE also -ise) **v.**

عذر خواستن، پوزش طلبیدن

- ➔ We apologize for the mistake and promise that it won't happen again.

به خاطر این اشتباه عذر می‌خواهیم و قول می‌دهیم که دوباره اتفاق نخواهد افتاد.

3000، 504



adjust /E'dʒʌst/ **v.**

تطبیق دادن، منطبق کردن؛ عادت کردن

- ➔ It took a few seconds for her eyes to adjust to the darkness*.

چند ثانیه طول کشید تا چشم‌هاش به تاریکی عادت کند.

3000، تجربی 91، زبان 91

emerge /i'mɜ:(r)dZ/ v.

پدیدار شدن، بیرون آمدن

- ➔ The cat emerged from its hiding place behind the wall.
آن گربه از مخفیگاهش در پشت دیوار بیرون آمد.
3000، 504، تجربی 92

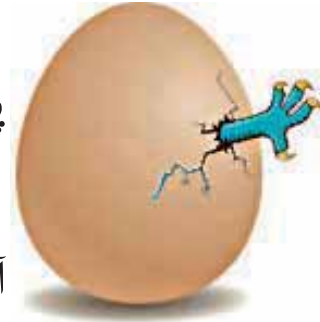


exhibit /Ig'zIbIt/ v., n.

1- نمایش دادن، به نمایش گذاشتن 2- نمایشگاه

- ➔ Her paintings have been exhibited all over the world.
نقاشی‌های او در تمام جهان به نمایش گذاشته شده‌اند.
3000، 504، هنر 87

annual /'AnjuEl/ adj.

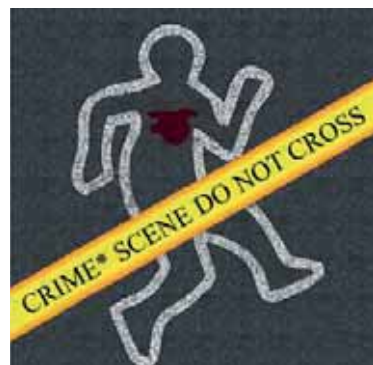
سالانه، سالانه

- ➔ We had more snow this year than the average annual amount.
ما امسال از میزان متوسط سالانه برف داشتیم.
3000، 504، هنر 91

victim /'vIktIm/ n.

قربانی

- ➔ The new drug might help save the lives of cancer* victims.
داروی جدید ممکن است کمک کند جان قربانیان سرطان نجات پیدا کند.
3000، هنر 92





delicate /'deIlkEt/ adj.

ظریف، حساس

- ➔ The eye is one of the most delicate organs of the body.

چشم یکی از حساس ترین اندام های بدن است.
3000، خارج از کشور 92

lonely /'lEUUnli/ adj.

تنها، بی کس

- ➔ As I didn't speak the language I grew lonelier and lonelier.
- چون به زبان [آن جا] حرف نمی زدم، تنها تر و تنها تر می شدم.
3000، ریاضی 93، زبان 88



cute /kju:t/ adj.

جذاب، تودل برو، قشنگ

- ➔ He's got a really cute little cat.
- اون یه گربه ی کوچولوی واقعاً تودل برو داره.
3000



bury /'beri/ v.

[جسد] دفن کردن، به خاک سپردن

- ➔ His father is buried in the cemetery on the hill*.
- پدرش توی قبرستان روی تپه دفن شده.
3000، انسانی 92، زبان 89

resign /rɪ'zaɪn/ v.

استعفا دادن (از)، کناره‌گیری کردن (از)

➔ He resigned from his job as principal* of the school.

او از شغلش به عنوان مدیر مدرسه استعفا داد.

504,3000



minister /'mɪnɪstə(r)/ n.

وزیر

➔ The Minister of Education made a statement this morning.

امروز صبح وزیر آموزش و پرورش بیانیه‌ای صادر کرد.

3000, هنر 84

authority /E'tθ:rlti/ n.

قدرت، نفوذ، توانایی

➔ Nothing will be done because no one in authority takes the matter seriously.

هیچ کاری انجام نخواهد شد چون هیچ شخص صاحب قدرتی موضوع را جدی نمی‌گیرد.

3000, 504, هنر 90

trick /trɪk/ n., v.

1- کلک، حيله، نیرنگ 2- شعبده‌بازی

3- کلک زدن به، کلاه سر ... گذاشتن

➔ She knew she'd been tricked, but it was too late.

او می‌دانست که سرش کلاه گذاشته شده، ولی خیلی دیر شده بود.

3000, زبان 90





PREFIXES & SUFFIXES

رایج ترین پیشوندهای زبان انگلیسی Most Common Prefixes

Prefix	Meaning	Key Word	Meaning
anti-	ضدّ	antibiotic	آنتی بیوتیک
de-	پیشوند منفی ساز	defame	بی آبرو کردن، بدنام کردن
dis-*	پیشوند منفی ساز	disagree	مخالفت کردن، موافقت نکردن
en-, em-	باعث ... شدن	enlarge	بزرگ کردن، بزرگ ساختن
fore-	قبل، پیش	forecast	پیش بینی کردن
in-, im-	در	intake	ورودی؛ [غذا و غیره] مصرف
in-, im-, il-, ir-*	پیشوند منفی ساز	impossible	غیرممکن، محال
inter-	بین، میان	interact	روابط متقابل داشتن
mid-	میان، وسط	midnight	نیمه شب، نصف شب
mis-	به اشتباه، غلط	misunderstand	منظور ... را درست نفهمیدن
non-	پیشوند منفی ساز	non-alcoholic	[نوشیدنی] غیر الکلی
over-	بالای، روی	overcoat	پالتو
pre-	قبل، پیش	prefix	پیشوند
re-*	دوباره	review	مرور کردن، دوره کردن
semi-	نیمه، نیم	semifinal	(ورزش) دور نیمه نهایی
sub-	زیر	submarine	زیر دریایی

فهرست لغات (الفبایی) به همراه شماره درس

A

abandon 34
abnormal 25
abolish 60
abroad 04
absence 11
absolutely 04
absorb 26
abuse 35
academic 19
accent 19
accommodation 35
accompany 31
accountant 30
accurate 05
accuse 41
achieve 08
acknowledge 58
acquire 38
actor 17
actress 17
addiction 13
additional 13
address 41
adequate 32
adjust 27
administration 30
admission 30
admit 31
adolescent 56
adopt 14
advance 04
advantage 05
adventure 06
advertisement 06
adviser 14
affair 45
affect 04
afford 05
afterwards 14
age 02

agent 39
ahead 16
aim 16
aircraft 38
alarm 43
alike 19
allowance 54
alongside 34
alter 31
amaze 21
ambition 48
ambulance 10
analyse 07
and so forth 57
angel 35
anger 04
angle 35
anniversary 39
announce 12
annual 27
anticipate 31
antique 48
anxiety 10
apologize 27
apparent 43
application 09
apply 09
appoint 14
appreciate 39
approach 39
approve (of) 33
approximately 30
archaeology 55
architect 16
argue 25
arithmetic 32
armed 50
arrange 03
arrest 43
article 02
artist 08
ash 55

assemble 41
assess 28
assist 26
associate 14
association 14
assume 07
assure 58
attack 03
attempt 05
attend 05
attitude 40
attribute 41
author 04
authority 27
automatic 19
awaken 26
awful 51
axis 17

B

back up 48
background 13
bacteria 16
bad-tempered 58
barrier 49
bath 12
battle 04
bay 53
BC (US B.C.) 18
beach 30
beforehand 53
behalf 46
believable 23
beneath 17
benefit 05
betray 56
billion 15
biography 06
biological 17
bite 43
bitter 50
blame 18
block 32

blood pressure 15
board 50
book 38
border 30
bound 50
brave 10
break away 56
breed 47
brilliant 03
broad 18
brush 47
bubble 50
budget 52
bury 27
button 17

C

cable 33
calculate 15
calendar 17
camp 03
cancer 10
candidate 58
candle 34
candy 35
capable (of) 35
captain 17
captive 41
capture 29
career 28
carry out 02
cash 44
cast 40
castle 26
casual 32
catch up 35
category 18
cease 32
cell phone 15
ceremony 25
certificate 29
chain 50
challenge 36